

خداوند بزرگ در عبادات، قلب ما را هدف گرفته است؛ قلبی که منشأ زندگی است؛ قلبی که منشأ عواطف و اراده است. این قلب باید با خداوند بزرگ پیوند بخورد و باید خدایی شود تا زندگی ما رنگ خدایی پیدا کند.

عبادت عملی با اعضا و جوارح انسان و عبادت شهودی با قلب او انجام می‌شود. عبادت شهودی باید قبل از عمل، کامل شده باشد؛ زیرا اگر عمل ما مبتنی بر باور نباشد، ارزش ندارد. دقت کنید که عمل عبادی که برخاسته از احساس باشد، ارزش ندارد.

عبادت شهودی دو مرحله دارد؛ مرحله نخست قبل از عبادت عملی است که شامل اندیشیدن و باور کردن خداوند متعال و معاد است و مرحله دوم، همراه با عبادت عملی است. در این مرحله شما باید احساس حضور در محضر خداوند متعال را درک کنید.

خداوند متعال در سوره نکاتر می‌فرماید: «اگر شما به علم یقین دست پیدا نکنید، به این باور که خداوند در مقابل گناه انسان را عقوبت می‌کند، نیز باور نخواهید کرد». معنای علم یقین، داشتن باوری بدون هیچ‌گونه شک و تردید است و دارای سه مرحله است: شما آتش را در نظر بگیرید؛ وقتی مکانی را می‌بینید که دود از آن بلند می‌شود، یقین می‌کنید که در آن محل، آتشی برپا شده است. این مرحله نخست علم یقین است. وقتی از نزدیک شعله آتش را دیدید، می‌شود عین یقین و درنهایت وقتی پا در آتش گذاشتید و گرمای آن را تجربه کردید، به مرحله حق یقین رسیده‌اید.

در شهادتین، عنصر حضور وجود دارد، بنابراین شما در اذان و اقامه نماز می‌گویید «أشهد ان لاإله الا...»؛ به این معنا که گواهی می‌دهیم هیچ ذاتی در عالم امکان به غیر از خدای سبحان نیست که مردم واله و حیران او باشند. اگر شما به این مقام احساس حضور در درگاه خداوند متعال برسید، عبادت بسیار لذت‌بخش خواهد شد.

مرحوم علامه طباطبائی^(۱) در تفسیرالمیزان در مورد آیه «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ علم یقین» می‌گوید این لو شرطی است؛ یعنی اگر به علم یقین در عبادت برسید، دیگر بسیاری از کارها را انجام نخواهید داد، هر سخنی را به زبان نخواهید آورد و هر چیزی را نخواهید دید.

وقتی شما به مرحله دوم عبادت شهودی رسیدید، دیگر هنگام نماز، دچار حواس پرتی نمی‌شوید و تمام تمرکز و حواستان روی نمازی که می‌خوانید، قرار خواهد گرفت؛ البته این مرحله در نتیجه مرحله اول عبادت شهودی برای ما حاصل می‌شود.

اینکه گفته می‌شود در حال نماز باید خود را در محضر خدا ببینی و این در محضر خدا بودن روح عبادت توست، این در محضر خدا بودن را باید در لحظات مختلف زندگی روزمره تمرین کرد. باید وقتی از منزل خارج می‌شویم، بگوییم: «افوض امری الی...» و پیوسته خودمان را در محضر او بدانیم تا این دل در توجه به او رنگ پیدا کند و در هنگام نماز، آن عبادتی که باید، رقم بخورد. ان شاء...!

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

ریحانه عامل نیک! در معنای لفظ «بهار» به غیر از سازگاری طبیعت با مردم و لطافت و فراغت تداعی شده با این لفظ، رسیدن به ثمرات و آنچه در هوای ناسماعد به سختی کاشته شده نیز مستتر است. علاوه براین، می‌توان به معنایی دیگر هم فکر کرد. به قول شاعر بزرگ، فردوسی که در وصف بهار می‌گوید «ها برخروش و زمین پر ز جوش»، این فصل، انقلاب و تحولی نیز در بطن دارد. برای ما معنای بهار همین قدر لطیف و درعین حال انقلابی است. حالا که روزهای پایانی ماه ربیع‌الاول را پشت سر می‌گذاریم، خوب است بدانیم معنای این ماه چیست تا بتوانیم از این روزهای مانده نهایت استفاده را ببریم. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، درباره این ماه عزیز در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سال ۱۳۹۱ سخنرانی کردند که در بخشی از آن سخنرانی، درباره این ماه می‌فرمایند: «بعضی از اهل معرفت و اهل سلوک معنوی معتقدند که ماه ربیع‌الاول، به معنای حقیقی کلمه، ربیع حیات است، ربیع زندگی است؛ زیرا در این ماه، وجود مقدس پیامبر گرامی و همچنین فرزند بزرگوارش حضرت ابی‌عبدا... جعفرین محمدالضادق ولادت یافته‌اند و ولادت پیغمبر سراغاز همه برکاتی است که خدای متعال برای بشریت مقدر فرموده است. ما که اسلام را وسیله سعادت بشر و راه نجات انسان می‌دانیم، این موهبت الهی مترتب بر وجود مبارک پیغمبر است که در این ماه اتفاق افتاد. درحقیقت باید این میلاد عظیم را مبدأ همه برکاتی دانست که خدای متعال جامعه بشری را، امت اسلامی را، پیروان را به آن سرافراز کرده است»؛ خالی از لطف نیست که بدانیم اعراب دو بهار داشتند، بهار ماه‌ها و ایام و بهار روزگار، بهار ماه‌ها، دو ماه پس از صفر را می‌گویند، اما بهار روزگار دو چشمه است. حالا که هفته آخر ماه ربیع‌الاول و شروع ماه ربیع‌الثانی در پاییز قرار گرفته است، خوب است از شب‌های بلند و روزهای کوتاه این ایام، استفاده کنیم و قدر مقارن شدن این ماه‌ها با هم را بدانیم و در عبادت و بندگی بکوشیم از روزهای کوتاه برای روزه‌گرفتن. به‌عنوان مثال پنجشنبه این هفته، به‌عنوان آخرین پنجشنبه ماه و از شب‌های بلند برای انجام نمازهای مستحب و دیگر عبادات «کاین اشارت ز جهان‌گذاران، ما را بس!».

کتابی که امروز می‌خواهیم از آن بگوییم، از آثار و افاضات به‌جای مانده از مرحوم علامه آیت‌ا... سیدمحمدحسین حسینی طهرانی است؛ منبرهایی که او برای مردم در مسجد قائم تهران به مناسبت‌های مختلف، ایراد کرده است که از آن جمله، چند سخنرانی درباره امیرالمؤمنین^(ع) و نیز امام‌هادی^(ع) است. کتاب «مناقب اهل بیت^(ع)» همان‌طور که گفتیم، شامل بیانات علامه آیت‌ا... حاج سیدمحمدحسین حسینی طهرانی است. نویسنده این اثر، «سیدمحمدحسین حسینی طهرانی» با کوشش خود توانسته است این سخنرانی‌ها را به‌صورت باب و فصل‌های منسجم، تنظیم و تألیف کند. فصل‌های کتاب به ترتیب به این قرار هستند:

- ۱- امیرالمؤمنین^(ع)؛ مصداق صراط مستقیم.
- ۲- علی^(ع)؛ زینت بخش تاریخ و شریعت اسلام و قوام نبوت پیغمبر^(ص).
- ۳- قضایای جنگ بدر.
- ۴- تبیین معنای میزان در روز قیامت.
- ۵- امیرالمؤمنین^(ع)؛ محور عدالت و میزان حق.
- ۶- امیرالمؤمنین^(ع)؛ میزان سنجش اعمال.
- ۷- بیاناتی پیرامون امام‌هادی^(ع).

پاسخ به ندای مظلوم، شرط مسلمانی است

آمنه مستقیمی، در پی شهادت سیدحسن نصر... دبیرکل حزب... لبنان و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی، رهبر معظم انقلاب آیت‌ا... خامنه‌ای در پیامی به وظیفه همگانی در برابر آنچه در حال وقوع است، تصریح کردند و فرمودند: «بر همه مسلمانان فرض است که با امکانات خود درکنار مردم لبنان و حزب... سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث، آن را یاری کنند». درباره معنای این وجوب و نحوه دفاع از مظلوم یا آیت‌ا... حسن عالمی، عضو خبرگان رهبری، گفت‌وگو کرده‌ایم.

۲ تکلیف شرعی

براساس اصطلاح فقهی، ما دو نوع تکلیف داریم؛ یکی تکلیف کفایی و دیگری تکلیف عینی؛ تکلیف کفایی بدین معناست که در شرایطی و با وقوع اتفاقی بر همه مسلمانان، فرض و واجب است که اقدام و عمل کنند اما اگر عده‌ای پیش بیایند و کار را انجام دهند و مشکل را حل کنند، عمل از دیگران ساقط می‌شود، برای مثال اگر مسلمانی بی‌وارث یا بدوارث از دنیا برود، بر مسلمانان دیگر واجب است که مراسم کفن ودفن را برای او به‌جا بیاورند اما اگر عده‌ای این کار را انجام دادند، این وجوب از دیگران ساقط می‌شود.

هر که می‌تواند، کاری کند

نوع دیگر از وظیفه و تکلیف، تکلیف عینی است؛ بدین معناکه وظیفه‌ای بر همگان فرض و واجب می‌شود واین‌گونه نیست که اگر عده‌ای یا حتی جمع کثیری آن را انجام دهند، تکلیف از دیگران ساقط شود، بلکه همه در این باره وظیفه دارند و باید ادای دین کنند. موضوع دفاع جزو واجبات عینی است که هرکه کاری از دستش برمی‌آید، باید برای آن اقدام کند؛ به‌عنوان مثال فردی توانایی و امکان حمایت مالی دارد، یکی توانمندی بدنی و رزمی دارد و دیگری، قوای فکری و ایده‌ای که باید همه را به میدان بیاورند.

وجوب عینی تا دفع دشمن ادامه دارد

این بار نخستی نیست که ولی فقیه به اقتضای شرایط و زمانه، حکم به وجوب و فرض بودن عملی داده‌اند، بلکه در تاریخ شیعه و موقعیت‌های مختلف، علما و فقهای شیعه به اقتضای مسائلی که پیش آمده است، اقدام به صدور فتوا و بر چنین احکامی تأکید کرده‌اند. فقیه، این احکام را به تناسب شرایط موجود استنباط می‌کند و حکم به وجوب آن می‌دهد و انجام آن بر مردم واجب می‌شود. این قبیل امور، وجوب عینی دارند و تا دفع شر دشمن باید ادامه یابند.



آیت‌ا... عالمی؛ این بار نخستی نیست که ولی فقیه به اقتضای شرایط و زمانه، حکم به وجوب و فرض بودن عملی داده‌اند



پیمانی که خدا از عالمان گرفته است

بنا بر فتوای فقها نیز دفاع از مظلوم به مرزهای جغرافیایی محدود نیست؛ به همین دلیل هم فقیهانی همچون امام خمینی^(ع) به دفاع از مردم مظلوم فلسطین فتوا داده‌اند. در روایات اسلامی، پاداش دفاع از مظلوم، هم نشینی با پیامبر^(ص) و کفاره گناهان بزرگ دانسته شده است و درمقابل، یاری ندادن مظلوم را باعث خروج از اسلام و هلاکت معرفی کرده‌اند. امیرالمؤمنین^(ع) در خطبه شقشقیه، یکی از دلایل قبول حکومت (بعد از کشته شدن عثمان) را پیمانی معرفی می‌کنند که خداوند از عالمان، برای دفع ظلم از مظلومان گرفته است.

قصاص از راه‌های دفع دشمن است

رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت شهادت سیدحسن نصر... آورده‌اند: «خون سیدمقاومت بر زمین نمی‌ماند»؛ این یعنی راه انتقام و قصاص پیش‌روی ماست و اساسا اسلام، قصاص را درمقابل خون انسان بی‌گناه تدبیر کرده است. علاوه بر این، انتقام و قصاص قاتلان، از راه‌های مهم دفع دشمن در شریعت اسلام است که باید به آن تمسک جست و ما هم درمقابل جنایات اسرائیل و به شهادت رساندن سید مقاومت، شهید سیدحسن نصر... سکوت نمی‌کنیم.

دفاع از مظلوم؛ شرط مسلمانی

ایستادن کنار مظلومان و دفاع و حمایت از آن‌ها، آموزه‌ای دینی مکتبی است و در اسلام ریشه دار است، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) راها در روایات متعدد به این مهم اشاره و تأکید کرده‌اند. از رسول خدا^(ص) است که فرمودند: «هرکه ندای استغاثه مسلمی را بشنود و پاسخ نگوید، مسلمان نیست». امروز در ماجرای غزه و لبنان، دیگر صدای یک شخص و نفر برخاسته نیست، بلکه هزاران انسان بی‌گناه و مظلوم، هدف جنایت و کشتار قرار گرفته‌اند و پاسخ به ندای کمک‌خواهی آن‌ها شرط مسلمانی است.

روشنا

امام جعفرصادق^(ع)؛ من قَبِلَ فی سَبیلِ اللَّهِ لِمَ یُعْرِضَهُ اللَّهُ شِئْئاً مِنْ شِئَانِهِ.

کسی که در راه خدا به شهادت برسد، خداوند او را بر هیچ‌کدام از گناهانش مطلع نخواهد ساخت (دیگر گناهی ندارد). (وسائل، ج ۱۱، ص ۹)

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر

روایتی از پیامبر اکرم^(ص) درباره بردباری

خشمگین یا ناراحت می‌شد. اما یاد گرفته بود که پشت هر خشمی، نفسی عمیق بکشد و شادی بچه‌ها، صبر بزرگ‌ترهای جمع را تمام می‌کرد، اما او را، نه... صورت بودن، انتخابش بود و برای رسیدن به این اخلاق، بسیار تمرین می‌کرد. بارها پیروز میدان بود و خیلی وقت‌ها هم شکست خورده بود اما ناامید نشده و دوباره راهی مسیر صبر شده بود. او هم مثل همه آدم‌ها،

او شوند و در هر جمع، ساعتی را به بازی با بچه‌ها اختصاص می‌داد. صدای جیغ و فریاد و شادی بچه‌ها، صبر بزرگ‌ترهای جمع را تمام می‌کرد، اما او را، نه... صورت بودن، انتخابش بود و برای رسیدن به این اخلاق، بسیار تمرین می‌کرد. بارها پیروز میدان بود و خیلی وقت‌ها هم شکست خورده بود اما ناامید نشده و دوباره راهی مسیر صبر شده بود. او هم مثل همه آدم‌ها،

احکام

هر راستی را باید گفت؟

پیشش

اگر انسان به شخصی دروغ بگوید و ما بدانیم، باید چه‌کار کنیم؟ آیا گفتن حقیقت بر ما واجب است؟

پاسخ اجمالی

در این‌گونه مواقع وظیفه‌شخص صرفا- با وجود شرایط- نهی از منکر است و اعلام حقیقت لازم نیست، مگر در مواردی مهم؛ مثل اینکه اعلام حقیقت، موجب حفظ جان یا آبروی فرد شود.

آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای: تکلیفی جز امر به معروف و نهی از منکر با وجود شرایط آن ندارید.

آیت‌ا... العظمی سیستانی: نهی از منکر در صورت تحقق شرایطش، واجب است.

آیت‌ا... العظمی صافی گلپایگانی: وظیفه در صورت اجماع شرایط، نهی از منکر است ولی اعلام حقیقت لازم نیست، مگر مواردی که موجب حفظ نفس یا حفظ عرض و آبروی محترمی بوده باشد.

آیت‌ا... هادوی‌تهرانی: اگر دروغ ضرری برای فرد شونده ندارد، گفتن حقیقت واجب نیست، اما اگر ضرری به وی می‌رسد، ابتدا باید بدون اینکه دروغ‌گویی گوینده را افشا کنید. به گونه‌ای شونده را از وجود این ضرر آگاه کنید و اگر تنها راه آگاه کردن از ضرر، افشای دروغ‌گویی گوینده باشد، باید این کار را بکنید.